

خشونت ، ترور ، تجاوز . . . زنانیکه باید همچنان قربانی بدهند !



نویسنده: دکتر شهیرنثاری



خشونت ، ترور و تجاوز . . . عباراتی که بعد از ده سال مشق دموکراسی و حکومتداری با حضور و حمایت فعال و چشمگیر اکثر کشور های قدرتمند جهان در افغانستان ، همچنان سرخط اخبار را رقم میزنند !

در طول یک ماه اخیر این سومین باریست که خشونت علیه زنان به فجیع ترین شکل آن قربانی میگیرد. دستان خشن و ظالم اینبار از نو عروس چهارده ساله قربانی میگیرد. عروس خوردسالیکه شاید به آرزو زندگی نو، دنیا رویاها و امیدهایش را از دریچه خانه شوهرش مینگریست.

بنا بر گزارشها خانم سحرگل به دلیل تن ندادن به تن فروشی از سوی شوهر و فامیل شوهرش ماه ها شکنجه شده است که آثار زخم و شکنجه در بدنش مشاهده میشود.

آنها گوشت و پوست بخش های از بدن وی را با انبر کنده و ناخن ها و موهای سرش را کشیده اند.

وی مدت شش ماه در زیرزمین تاریک و بدون پنجره در شهر پلخمری زندانی بوده و مورد بدرفتاری قرار گرفته است.

سحرگل علت حبس و شکنجه اش را راضی نشدن به تن فروشی به خواسته فامیل شوهرش بیان نموده است.

وی شوهر ، والدین و برادر شوهرش را عاملین شکنجه و حبس خود در طول این مدت میداند.

بنا به گزارش‌ها وی از لحاظ روحی به شدت آسیب دیده و احتمالاً آثار روحی و روانی این شکنجه سال‌ها با وی باقی خواهد ماند.

آری! در کشور ما این تنها ناامنی، فقر، بیکاری، بی‌سوادی و مرگ و میر مادران نیست که از زنان همواره قربانی می‌گیرند. شکنجه و خشونت علیه زنان پدیده شوم است که نسبت به هر مشکل دیگر زندگی زنان را با شدت تمام تهدید می‌کند.

باید خاطر نشان ساخت که قضیه سحر گل یکی از هزاران موارد خشونت و بدرفتاری علیه زنان است.

با تأسف در افغانستان موارد بسیار جدی شکنجه و سوءاستفاده وجود دارند که بنابر مسایل عنعنوی و خانوادگی برای سالها خاموش می‌مانند.

فرهنگ معافیت؛ عامل اصلی خشونت‌ها علیه زنان

عوامل زیادی وجود دارد که باعث خشونت و بدرفتاری علیه زنان در افغانستان میشوند.

میزان بالای فقر و تنگدستی در خانواده‌ها، ازدواج در سنین خورد، بعضی رسوم و عنعنات ناپسندیده، ازدواج‌های اجباری، بی‌سوادی و بیکاری از جمله عوامل اند که باعث خشونت و سوءاستفاده علیه زنان میشوند.

درین میان آنچه عامل اصلی این همه خشونت‌ها و بدرفتاری‌ها علیه زنان محسوب میشود، همانا فرهنگ معافیت از مجازات و مسئولیت از قانون است.

تا جایکه دیده شده است، در اکثر موارد با عاملین اینگونه جنایات به بسیار سادگی برخورد صورت گرفته است.

بگونه مثال در بعضی موارد متهمین اصلاً دستگیر نگردیده و یا هم اینکه با در نظر داشت موقف قومی، منطقه‌یی و سیاسی شان آنطوریکه میبایست با ایشان برخورد قانونی صورت نگرفته است.

اگر در گذشته با چنین قضایا برخورد جدی و قانونی صورت میگرفت، امروز گراف خشونت و بدرفتاری علیه زنان هرگز به این پیمان‌ه وسیع نبوده و ما حالا اصلاً شاهد این چنین جنایات در قرن حاضر نمی‌بودیم.

پایان